

نظام صرف فعلی در گویش آهاری

الهه گل بستان (دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران)

چکیده: بسیاری از گویش‌ها در مناطق مختلف، تحت تأثیر زبان فارسی رسمی یا فارسی معیار^۱ در کشور، در حال انقراض‌اند. از جمله این گویش‌ها می‌توان به گویش‌های ناحیه قدیمی قصران اشاره کرد که شامل لواسانات، شمیرانات، تهران، کن، سولقان و... بوده است. ناحیه قصران، از نواحی قدیمی ایران است که در گذشته سرزمینی بین ری باستان تا مرز مازندران بوده و تهران کنونی بخش کوچکی از آن بوده است. یکی از گویش‌های ناحیه قصران، گویش آهاری است. قریه آهار، از روستاهای شمال تهران در رشته کوه‌های البرز است که به گفته یکی از اهالی این قریه، به گونه‌ای از گویش گیلکی صحبت می‌کنند. فرض بر آن بوده است که گویش آهاری، از گویش‌های تجربی است که تحت تأثیر زبان فارسی معیار قرار گرفته است. در این مقاله پژوهشگر سعی دارد نظام صرفی فعل در گویش آهاری را به‌طور خلاصه بیان کند.

کلیدواژه‌ها: گویش، قصران، آهار، صرف فعل

(۱) منظور از زبان فارسی رسمی یا فارسی معیار در این مقاله، زبان فارسی رایج در تهران و مورد استفاده در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است.

۱. مقدمه

آهار از روستاهای دهستان رودبار قصران^۱، بخش رودبار قصران، شهرستان شمیرانات استان تهران است. این روستا با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۵۶ دقیقه و با ارتفاع ۲۱۱۸ متر از سطح دریا در مسیر جاده تهران - لشکرک به طرف فشم قرار دارد که در متهاالیه جاده بعد از روستای باغ‌گل و ایگل که جزء حوزه نفوذی آهار است، با فاصله ۲۸ کیلومتری از تهران و در ۱۰ کیلومتری فشم واقع است (مشیری و همکاران ۱۳۹۰: ۴). روستای آهار در محل تلاقی دو تنگه‌ای قرار دارد که یکی به سمت شمال غرب به ده تنگه و گردنه زرگاه و دیگری به سمت جنوب غرب به منطقه و مزارع و آبشار شکرآب و قلعه توچال و مرز شهرستانک منتهی می‌شود. این روستا از روستاهای آباد و پررونق منطقه رودبار قصران است و به دلیل داشتن مزارع و باغات وسیع، بیشتر ساکنان این روستا به کار باغداری مشغول‌اند. بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، شمار ساکنان روستای آهار ۱۰۰۵ نفر (۶۶۹ زن و ۵۳۶ مرد) در ۳۶۴ خانوار بوده است.^۲

نام اصلی و قدیمی روستای آهار، اوهر^۳ است که در ناحیه رودبار قصران (قصران داخل) واقع شده است. اوهر به معنای آبادی‌ای است که آب فراوان برای احداث آسیا دارد. گویش آهاری، شباهت‌هایی با گویش‌های مازندرانی (گویش آملی و بابلی و...) دارد. بنابه گفته حسن دوست (۱۳۸۹: هجده)، گویش‌های منطقه قصران، جزء گویش‌های

(۱) ناحیه قصران یا کوهسران، از نواحی بسیار قدیمی و کهن سرزمینمان، ایران، است. قصران که ناحیه‌ای بزرگ و کوهستانی است، در گذشته، سرزمینی بین ری باستان تا مرز مازندران را شامل بوده و تهران کنونی نیز قسمتی کوچک از آن بوده است. در گذشته قصران، یکی از شهرستان‌های ری به‌شمار می‌آمده است. بعدها، ناحیه قصران را به دو قسمت قصران داخل و قصران خارج تقسیم کرده‌اند. «قصران شمالی را بدان سبب که آبادی‌های آن در داخل دره‌های متفرع از البرز واقع است، قصران داخل، و قصران جنوبی را چون در دامنه جنوبی این سلسله‌کوه و خارج از آن و در جلگه افتاده است، قصران خارج، نام داده‌اند» (کریمان ۱۳۸۵: ۹۲). امروزه، تهران و ری جزء قصران خارج محسوب می‌شوند.

(۲) برگرفته از وبگاه: www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1160

(۳) بنا به گفته یکی از گویشوران اوهر از ترکیب «آب هار و سرکش» ایجاد شده است و براساس کم‌کوشی اهالی به آهار یا اوهر تبدیل شده است.

تجربشی‌اند که از لحاظ زبان‌شناختی، حدفاصل گویش‌های کناره دریای خزر و گویش‌های آذری به‌شمار می‌آیند. بنابراین گویش آهاری یکی از گویش‌های تجربشی (حدفاصل گویش‌های کناره دریای خزر و گویش‌های آذری)^۱ است که شاخه‌ای از گویش‌های ایرانی نو غربی به‌شمار می‌رود.

موقعیت جغرافیایی این روستا و مجاورت آن با شهر تهران موجب شده است تا گویش آهاری به‌شدت تحت تأثیر زبان فارسی معیار قرار گیرد. برای کمک به شناخت اطلس گویش‌های ایرانی، و نیز کمک به حفظ و پاسداشت گویش‌های ایرانی، نگارنده بر آن است که نگاهی اجمالی به نظام صرفی فعل در گویش آهاری داشته باشد. بدین منظور، پس از بررسی اولیه (آوایی) داده‌ها جدول‌های ۱ و ۲ استخراج و برای آوانویسی داده‌های این گویش، از علائم آوایی موجود در این جدول‌ها استفاده شده است.

جدول ۱. همخوان‌های گویش آهاری

جدول همخوان‌ها									
واجگاه شیوه تولید	دولبی	لب‌ودندانی	دندانی - لثوی	کامی	پس‌کامی	نرم‌کامی	ملازی	حلقی	چاکنایی
سایشی		f v	s z	š ž			x γ	h	fi
انسدادی - سایشی				č ĵ					
روان			l/r						
غلت	w		y						
خیشومی	m		n			ŋ ^۲			

(۱) گویش گاژرخانی (در گاژرخان، واقع در شمال شرقی قزوین، در دامنه کوه‌های الموت، نزدیک قلعه حسن صباح) نیز به‌لحاظ زبان‌شناختی، حدفاصل گویش‌های کناره دریای خزر و گویش‌های آذری به‌شمار می‌آید (حسن‌دوست ۱۳۸۹: هجده).

(۲) ŋ واجگونه خیشومی است که تحت تأثیر بافت تولید می‌شود؛ مثال: aħaŋ, jaŋ, raŋ.

جدول ۲. واکه‌های گویش آهاری

جدول واکه‌ها				
	پیشین			پسین
	گسترده	گرد	کشیده	
افراشته	i	ü		u
نیم افراشته	e	ö		o
افتاده	a		a:	ā

در رابطه با گویش‌های منطقه قصران، تا آنجا که نگارنده خبر دارد، پژوهش‌های زیادی صورت نپذیرفته است، ولی می‌توان به آثاری چون حسین کریمان (۱۳۸۵) اشاره کرد. در این اثر، نویسنده علاوه بر مباحث تاریخی و جغرافیایی ناحیه قصران، به مذهب و نیز گویش مردم قصران می‌پردازد. وی علاوه بر این، به‌طور اخص پاره‌ای از آداب و رسوم و ضرب‌المثل‌های رایج در قریه آهار و نکات و قواعد دستوری گویش آهاری و نیز واژه‌نامه مختصری از این گویش را ارائه می‌دهد. اثر دیگری در این مقال عبارت از بررسی خردگویش‌های منطقه قصران به انضمام واژه‌نامه قصرانی (دیهم ۱۳۸۴) است. نویسنده کلیاتی را در مورد منطقه جغرافیایی قصران بازگو می‌کند و سپس ویژگی‌های آوایی، دستوری و واژگانی گونه زبانی ناحیه قصران را بیان می‌دارد. وی علاوه بر این، داده‌های ضبط‌شده خود را در کتاب خود به رشته تحریر در آورده است. اثر دیگر نوشته همین نویسنده عبارت از اطلس گویش‌شناختی قصران داخل (دیهم ۱۳۸۸) است. در این اثر، نویسنده هر صفحه را به معرفی تفاوت‌های آواشناختی یک واژه در روستاهای ناحیه قصران اختصاص داده است.

روش کار برای گردآوری داده‌ها در مقاله حاضر به این گونه بوده است که در ابتدا صد فعل^۱ انتخاب شدند. از این میان، افعالی انتخاب شد که در این قریه پربسامد بودند. این افعال به دو گروه بسیط (منظم و نامنظم) و مرکب تقسیم شدند. از چند گویشور

(۱) برای انتخاب افعال، ابتدا مجموعه‌ای از افعال فارسی از وبگاه <http://persian.nmelrc.org> انتخاب و سپس مجموعه افعال موجود واج‌نویسی شد و از طریق وبگاه تجزیه و تحلیل متن و شمارش بسامد <http://textalyser.net> پربسامدترین افعال انتخاب شد.

آهاری^۱ خواسته شد برای هریک از این افعال، جملاتی را در زمان‌ها و وجه‌های مختلف به گویش آهاری بیان کنند. این جملات واج‌نگاری شد و سپس از لحاظ صرفی (پیشوند و پسوندهای صرفی) مورد بررسی قرار گرفت.

۲. ستاک‌های فعلی در گویش آهاری

در گویش آهاری، فعل بر مبنای دو مادهٔ مضارع و ماضی ساخته می‌شود. مادهٔ مضارع برای ساخت مضارع اخباری، مضارع التزامی و امر به‌کار می‌رود و مادهٔ ماضی برای ساخت ماضی ساده و ماضی استمراری به‌کار می‌رود. مادهٔ ماضی به *t-* یا *d-* (یا واجگونه‌های آن *-ād* و *-id*) ختم می‌شود. در جدول شماره ۳، برخی از ماده‌های مضارع و ماضی در گویش آهاری و معادل آنها در فارسی معیار بیان شده است.

جدول ۳. ماده‌های مضارع و ماضی و معادل آنها در فارسی معیار

مادهٔ مضارع	مادهٔ ماضی	گویش آهاری	فارسی معیار
افت-	افتاد	effād	افتاد
vāst-	ایستاد	estā(d)	ایستاد
(da)xos-	خوابید	(da)xot	خوابید
do-	دوید	doyid	دوید

افعال فارسی، بنابر گفتهٔ باطنی (۱۳۴۸: ۱۱۸)، به دو دسته تقسیم می‌شوند: (۱) آن دسته

(۱) برای گردآوری داده‌ها، چند تن از گویشوران محترم آهاری با نگارنده همکاری داشتند. در اینجا از همکاری و لطف این بزرگواران، به‌خصوص جناب آقایان محمد شکرایی و محمد نظرآهاری (پدر بزرگ) و سرکار خانم‌ها زهره نظرآهاری و پروین نظرآهاری، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و به‌روزی آنان را از خداوند متعال مسئلت دارم. همچنین از جناب آقای حسین گل‌بستان، پدر بزرگوارم، برای راهنمایی‌ها و رهنمودهای سودمندشان بی‌نهایت سپاسگزارم.

از افعال که پس از حذف علامت ستاک گذشته (-t, -d, -id, -ād)، ستاک حال بدون تغییرات آوایی به دست می‌آید. این گونه از افعال را اصطلاحاً افعال منظم می‌گویند. (۲) آن دسته از افعال که پس از حذف علامت ستاک گذشته، ستاک حال با تغییرات آوایی به دست می‌آید. این دسته از افعال را اصطلاحاً افعال نامنظم می‌گویند. نمونه‌هایی از افعال منظم و نامنظم در جدول‌های ۴ و ۵ آمده است.

جدول ۴: نمونه‌ای از افعال منظم در گویش آهاری

افعال منظم		
فارسی معیار	گویش آهاری	صورت امر فعل
افتاد، افت-	eft-ād	bēft
دوید، دو-	do-yid	baddo
رسید، رس-	bars-id	bars
فرستاد، فرست-	barfest-ād	barfes

جدول ۵: نمونه‌ای از افعال نامنظم در گویش آهاری

افعال نامنظم			
فارسی معیار	گویش آهاری		صورت امر فعل
	ماده مضارع	ماده ماضی	
چیدن، چین-	bačín-	bačid	bačín
دیدن- بین-	beyn-	badid	beyn
گرفتن، گیر-	hāgir-	hāgit	hāgir
گفتن، گو-	gü-	(ba)got	vagü

گاهی، در محاوره‌های سریع بین گویشوران آهاری، همخوان پایانی فعل در ستاک‌های گذشته فعل، حذف می‌شود. همچنین گاهی، به دلیل اصل کم‌کوشی، همخوان -d- در جایگاه میانی، پیش از شناسه‌های صرفی، به -y- تبدیل یا حذف می‌شود.

۳. پیشوندهای فعلی

پیشوندهای فعلی در این گویش عبارت‌اند از: پیشوند ساده: be- (نیز تکواژگونه: ba-, bi-, bü-, ve-, va- برای ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، وجه التزامی و وجه امری)، پیشوند نمود استمرار: da- (برای مضارع استمراری و ماضی استمراری) پیش فعل‌ها^۱، که در اصل بر جهت انجام فعل دلالت دارند، عبارت‌اند از: ve- و vā-، hā- استفاده از نشانه نفی ne- باعث حذف پیشوند ساده می‌شود.

bimo → nimo

barfestā → narfestā

نشانه نفی ne- پس از پیشوند نمود استمرار و قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد.

daxot → danaxot

نشانه نفی ne- پس از پیش فعل‌ها و قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد.

vegit → venegit

vāstā → vānestā

hāgit → hānegit

hādā → hānadā

نشانه نفی ne- در افعال مرکب، به عنصر فعلی می‌چسبد.

bidārkord → bidārnakord

ādistbadā → adastnadā

۴. نظام تصریف در گویش آهاری

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، افعال دارای دو ماده مضارع و ماضی هستند. ماده مضارع در ساخت مضارع اخباری، مضارع التزامی و امر، و ماده ماضی در ساخت ماضی ساده و ماضی استمراری به کار می‌رود. این ماده‌های فعلی همراه با پیشوند فعلی، عنصر غیرفعلی و دیگر شناسه‌ها مجموعاً گروه فعلی را تشکیل می‌دهند.

(۱) باطنی این مجموعه عناصر را تحت عنوان عناصر غیرفعلی گروه فعل معرفی می‌کند (۱۳۴۸: ۱۱۱).

شناسه‌های صرفی در افعال گویش آهاری عبارت‌اند از:

جمع	مفرد	
-im/ - eym مضارع و ماضی	-am/ -om/ -m مضارع و ماضی	اول شخص
-in, -eyn مضارع و ماضی -in, -eyn امر	-i, -ey مضارع -e امر -y, -i ماضی	دوم شخص
-an/ -n مضارع و ماضی	-e مضارع و ماضی	سوم شخص

۱.۴. ماده مضارع

۱.۱.۴. شیوه ساخت مضارع اخباری

شناسه‌های صرفی + ماده مضارع + mi- (یا تکواژگونه‌های آن -me- -mo- -mü) (یا تکواژگونه‌های آن -me- -mo- -mü)
?amašammad xavar megiri ke ?a:mrü müšü šahr yā na?

از محمد می‌پرسی که امروز می‌رود به شهر یا نه؟

yēzurugdiya sab kōni, azto yē ʔazāye xošmazza dorostmokonam.

کمی صبر کنی برای غذای خوشمزه‌ای می‌پزم.

?aga bašoy(i) küh, vālak?a: mano miččini?
اگر رفتی کوه، برایم والک می‌چینی؟

اگر فعل دارای پیشوند فعلی باشد، شناسه مضارع اخباری پس از پیشوند فعلی و ستاک مضارع می‌آید.

?amšōw ke barsam tā sobfi danxosam.
امشب که برسم تا صبح می‌خوابم.

har sobfi ?avāsa furuše ?ālbāluhā miyām sar pöl vāmeštam.

هر روز صبح برای فروش آلبالوها سر پل می‌ایستم.

۲.۱.۴. شیوه ساخت مضارع التزامی

شناسه‌های صرفی + ماده مضارع + ba- (یا تکواژگونه‌های آن -va, -bi, -be)

صبر کن به شکراب که برسیم، ناهار می‌خوریم. *sabkon barsim šökörow, nāhār moxorim.*

ʔaga biyām xunetun, ʔol bade ke xodto mun zafimet nangeni.

اگر بیایم خانه شما، قول بده که خودت را برای من زیاد در زحمت نیندازی.

ʔaga bešam fšam, mano mobori?

اگر بروم فشم، من را می‌بری؟

ʔaga vagam-to ʔa:mrü kiyo badiyam, šāx dar miyeri.

اگر به تو بگویم امروز چه کسی را دیدم، شاخ درمی‌آوری.

ʔaga beftam, fāmeš taxsir to-e.

اگر بیفتم، تقصیر توست.

در مواردی که فعل دارای پیشوند است، شناسه التزامی حذف می‌شود.

šāedunjā^۱ vāstamo montazeret gerdam.

شاید آنجا بایستم و منتظرت باشم.

čerā namely daxose?

چرا نمی‌گذاری بخوابد؟

۳.۱.۴. شیوه ساخت مضارع استمراری

شناسه‌های صرفی + ماده مضارع + da-

mano damās. ʔapošt damēftam.

من را بگیر! دارم از پشت می‌افتم.

damišim šökörow. šomāyam miyeyn?

داریم می‌رویم شکراب. شما هم می‌آید؟

گاه بین شناسه نمود استمرار و فعل، فاصله وجود دارد.

ʔāzar ʔa šökörow ʔamano da vālak tapelak mečine.

آذر دارد برای من از شکراب والک و تپلک می‌چیند.

۴.۱.۴. شیوه ساخت امر

شناسه‌های امر + ماده مضارع + ba- (یا تکواژگونه‌های آن -va, -be)

to bēft! meyni čokonamet.

تو بیفت! ببین که با تو چه کار می‌کنم.

baddo dam dukkun sāfosseyñ čülü hāgir biyār.

(۱) واج انسدادی چاکنایی در اثر ترکیب دو واژه *šāed* و *unjā* حذف شده است.

بدو تا دم مغازه سید حسین و تخم مرغ بگیر و بیاور.

bižake gilāso barfes šahr.

حواله گیلاس را به شهر بفرست.

dir gerdišō! sedā vazanšō.

دیرش شده است! بیدارش کن.

در مواردی که فعل دارای پیشوند است، شناسه امر حذف می‌شود.

vāstā tā bišam sar molk bargerdam.

بایست تا بروم سرِ باغ و برگردم.

begī daxos. sobā bā?a:d biši sarbāy.

بگیر بخواب. فردا باید بروی سرِ باغ.

?iyālo šir hāde.

به بچه شیر بده!

۲.۴. ماده ماضی

در گویش آهاری، برای ساخت افعال ماضی ساده و متعدی، هیچ‌گونه تمایزی وجود ندارد.

۱.۲.۴ شیوه ساخت ماضی ساده

شناسه‌های صرفی + ماده ماضی + *ba-* (یا تکواژگونه‌های آن *-bi-*, *-be-*)

man ?axona vāxodam čāyi biyōtam.

من از خانه با خودم چای آوردم.

diḡrū piyaram ?a poštēbum beftā, pāšam beški.

دیروز پدرم از پشت بام افتاد و پایش شکست.

mone ?eyvun ?estā bam, ?örüwe ?öftow ro nigā kordam.

در ایوان ایستاده بودم و به غروب آفتاب نگاه کردم.

bašir ?a dame ?öwderyun tā sar čāfmun?o baddoyi.

بشیر از اودریون تا سرچشمه‌مون را دوید.

piyaram bašo sa: ?lun, ye satl ālbālu bačči.

پدرم رفت سرآلون، یک سطل آلبالو چید.

در مواردی که فعل دارای پیشوند است، شناسه ماضی حذف می‌گردد.

čandi pul mašmaḡammad?o hādāy?

چقدر پول به مش محمد دادی؟

xuwāram sibi ke mon dastam da bōdo ?a man hāḡit.

خواهرم سیبی که در دستم بود را از من گرفت.

dišōw mone ?eyvun da naxotim. havā sard bō.

دیشب در ایوان نخوابیدیم. هوا سرد بود.

۲.۲.۴ شیوه ساخت ماضی نقلی

در گویش آهاری، پیوند ماضی نقلی از بین رفته و حالت صرفی آن با ماضی ساده در

آمیخته است.^۱

ʔuna ʔa: pella jireftā.

او از پله‌ها افتاده است.

ʔuna ʔa xāl zarā xavar git.

او از خاله زهرا پرسیده است.

šomā tā ʔa:lāno tā tanga ro baddoyiyeyn?

شما تا حالا تا تنگه دویده‌اید؟

ʔali bā bašir ʔa būrun ʔa ʔāšo süa baččīyan.

علی و بشیر از بُرون برای آش سوئه چیده‌اند.

۳.۲.۴. شیوه ساخت ماضی بعید

ماضی ساده فعل «بودن» + صفت مفعولی + ba-(∅)

ʔaga ʔa: deraxt jir ʔeftā bam, fiatman pām meškestes.

اگر از درخت افتاده بودم، حتماً پایم می‌شکست.

ʔa: bašir xavar gite bi ke ālbāluā key mērse?

از بشیر پرسیده بودی کی آلبالوها می‌رسد؟

ʔaga ʔunaro barfestā-bam tanga, tā ʔa:lān bargerdī-bo bimbo.

اگر او را به تنگه فرستاده بودم، تا حالا برگشته بود.

ʔaga ʔazāro sar vaxteš nāhā bi, tā ʔa:lān dorost kerdi bo.

اگر غذا را به موقع پخته بودی، تا حالا درست (= آماده) شده بود.

ʔaga jozhāro pāyiz jir korde bi, ʔa:lān xarāb nangērdi.

اگر گردوها را در پاییز چیده بودی، الان خراب نمی‌شدند.

در مواردی که فعل دارای پیشوند است، شناسه ماضی حذف می‌شود.

ʔaga pūlto azeš hāgte bi, ʔa:lān diya hīč moškeli naāšti.

اگر پولت را ازش گرفته بودی، حالا مشکل نداشتی.

ʔaga ziminto hāndā bi be man, ʔa:lān andi saret kola nanšo.

اگر به من زمینت را داده بودی، الان سرت کلاه نمی‌رفت.

در مواردی، به علت اصل کم‌کوشی، صورت صرفی ماضی بعید از بین رفته و با ماضی

ساده در هم آمیخته است.

diḡrū mafammad ʔapiyaram-o ʔālbālu biyöt. دیروز محمد برای پدر من آلبالو آورده بود.

(۱) گاهی کشش واکه‌ای هجای آخر فعل ماضی حالت نقلی را بیان می‌کند.

šomā digrū ?in vaxt barsiyey šahr? شما دیروز این موقع به شهر رسیده بودید؟
۴.۲.۴. شیوه ساخت ماضی استمراری

شناسه‌های صرفی + ماده ماضی + da

da ?abašir xavar vegtam ke yöfio bārun begit. داشتم از بشیر می‌پرسیدم که ناگهان باران گرفت.
man da mersiyam be gājera, ?a:mu sāfiosein-o badiyam.

من داشتم به گاجره می‌پرسیدم که عمو سید حسین را دیدم.

۵.۲.۴. شیوه ساخت ماضی التزامی

مضارع التزامی فعل «بودن» + صفت مفعولی + ba- (یا تکواژگونه‌های آن -va-, -bi-)

xeyli dīr gerdi. ?aga bimbāše čī? خیلی دیر شده است. اگر آمده باشد چه؟

?aga ?adraxt jir eftā bāši, hatman pāt beški. اگر از درخت افتاده باشی، حتماً پایت شکسته است.

?aga ?a:zeš xavar gite bāši, medoni ke javāb sarbālā medeto.

اگر از او پرسیده باشی، می‌دانی که به تو جواب سربالا می‌دهد.

man vargerdam ?a: injā vašo bāšin. من برگشتم از اینجا رفته باشید.

bagöte bāšamet, tā nagi, namelam beši. به تو گفته باشم، تا به من نگوئی، نمی‌گذارم که بروی.

در مواردی که فعل دارای پیشوند است، شناسه ماضی حذف می‌گردد.

?aga pulto hādā bāši ?üna, saret kola bašo. اگر پولت را به او داده باشی، سرت کلاه رفته است.

momkene māšino ?azeš hāgte bāši, ?a:mā ü rāzi niye.

ممکن است که ماشین را از او گرفته باشی، اما او راضی نیست.

در جدول‌های ۶، ۷ و ۸، افعال رفتن، آمدن و بودن به‌عنوان نمونه صرف شده است.

جدول ۶. صرف فعل رفتن

مضارع اخباری	ماضی ساده	مضارع التزامی	امر	
mišam	bašom	bišam	-	اول شخص مفرد
miši	bašoy	biši	büšü	دوم شخص مفرد
müšü	bašo	büšü	-	سوم شخص مفرد
mišim	bašoym	bišim	-	اول شخص جمع
mišin	bašoyn	bišin	bišin	دوم شخص جمع
mešan	bašun	bišan	-	سوم شخص جمع

جدول ۷. صرف فعل آمدن

مضارع اخباری	ماضی ساده	مضارع التزامی	امر	
miyām	bimam	biyām	-	اول شخص مفرد
miyey	bimi	biyey	biyā	دوم شخص مفرد
miyā	bimo	biyā	-	سوم شخص مفرد
miyeym	bimim	biyeym	-	اول شخص جمع
miyeyn	bimin	biyeyn	biyeyn	دوم شخص جمع
miyān	biman	biyān	-	سوم شخص جمع

جدول ۸. صرف فعل بودن

مضارع اخباری	ماضی ساده	مضارع التزامی	امر			
				مثبت	منفی	متصل
daniyam	(da)bam	dabāšam	-	daram	-am	اول شخص مفرد
daniyey	(da)bi	dabāši	dabāš	dari	-i	دوم شخص مفرد
dani	(da)bo	dabāše	-	dare	-e	سوم شخص مفرد
daniyeym	(da)bim	dabāšim	-	darim	-im	اول شخص جمع
daniyeyn	(da)bin	dabāšin	dabāšin	darin	-in	دوم شخص جمع
daniyan	(da)ban	dabāšan	-	daran	-an	سوم شخص جمع

در جدول ۹، برخی از افعال گویش آهاری، در حالت سوم‌شخص مفرد مضارع اخباری و ماضی ساده صرف شده‌اند.

جدول ۹. فهرست برخی از افعال گویش آهاری

سوم‌شخص مفرد ماضی ساده	سوم‌شخص مفرد مضارع اخباری	معادل فارسی
biyöt	miyāre	آوردن
beftā	mēfte	افتادن
bengest	mengene	انداختن
vāstā, estā	vāmeste	ایستادن
bebaxši	dambaxše	بخشیدن
vegit	vengire	برداشتن
babord	mobore	بردن
vargerdi	varmegeerde	برگشتن
barbi	mirbine	بریدن
davest	dambende	بستن
barsund/ dorostkord	mērsone/ dorostmokone	پختن
bappöri	möppore	پریدن
pižvaxord	pižmoxore	پیچیدن
batersi	meterse	ترسیدن
batonest	metone	توانستن
bajuši	mūjuše	جوشیدن
bajoyi	mejoye	جویدن
baččeri	meččere	چریدن
baččeki	meččeke	چکیدن
bači	miččine	چیدن

baxeri	mexere	خریدن
baxendi	mexende	خندیدن
daxot	danxose	خوابیدن
baxāst	mōxā	خواستن
baxond	mōxone	خواندن
baxord	mōxore	خوردن
hādā	hānde	دادن
dāšt	dāre	داشتن
badünest	medone	دانستن
pārakord	pāramökone	دریدن
badüd	müdüže	دوختن
badüšt	müduše	دوشیدن
döwbazi/ baddoyi	döwmezene/ möddoye	دویدن
badi	meyne	دیدن
barsi	merse	رسیدن
barit	miriže	ریختن
bazi	mezene	زدن
bassāyi	messā	ساییدن
bespord	mespore	سپردن
basüt	müsuze	سوختن
bašürd	müšure	شستن
beškest	meškene	شکستن
bešnöft	mešnöfe	شنیدن
barfüt	mürfüše	فروختن
fālišgerdi	fālišmegerde	فهمیدن

bakkāri	mekkāre	کاشتن
kord	mökone	کردن
bakošt	mökoše	کشتن
bakeši	mekeše	کشیدن
bakend	mekkene	کندن
bakoft	mökofe	کوفتن
begit/ hāgit	megire/ hāngire	گرفتن
geryabakord	geryamökone	گریستن
bagerdi	megerde	گشتن
bagot	mege	گفتن
balerzi	melerze	لرزیدن
balengi	melenge	لنگیدن
bamund	memone	ماندن
bamord	mimire	مردن
banāli	menāle	نالیدن
banest	miniše	نشستن
banvešt	minvise	نوشتن
ziminnāhā	ziminmene	نهادن
behešt	mehele	گذاشتن، اجازه دادن

۵. نتیجه

آنچه از مجموعه حاضر می‌توان نتیجه گرفت، این است که بسیاری از گویش‌ها در مناطق مختلف، تحت تأثیر زبان فارسی رسمی یا فارسی معیار در شرف انقراض‌اند. از جمله این گویش‌ها، می‌توان به گویش‌های ناحیه قدیمی قصران، و از جمله گویش آهاری، اشاره کرد که یکی از گویش‌های تجریشی به‌شمار می‌رود. جدول واکه‌ها و

همخوان‌های این گویش واکه‌های گرد پیشین و همخوان‌های نرم کامی پس‌کامی شده را نشان می‌دهد. ساخت جمله در این گویش با فارسی معیار مطابقت دارد و در برخی موارد ساخت آوایی و واجی گویش تغییرات آوایی منظمی را نشان می‌دهد. همانند فارسی معیار، در این گویش نیز افعال به دو شکل منظم و نامنظم با تغییرات آوایی از فارسی معیار ظاهر می‌شوند. پیشوندهای فعلی در این گویش همان ساختار زبان معیار را داراست و تنها اندکی تغییر آوایی در آنها ظاهر شده است. صورت صرفی افعال این گویش همانند فارسی معیار است و همه این‌ها همبستگی زیاد گویش آهاری را با زبان معیار و رسمی نشان می‌دهد.

منابع

- باطنی، محمدرضا، ۱۳۴۸، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان، تهران.
- حسن دوست، محمد، ۱۳۸۹، فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، تهران.
- دیپیم، گیتی، ۱۳۸۴، بررسی خرده‌گویش‌های منطقه قصران به انضمام واژه‌نامه قصرانی، تهران.
- _____، ۱۳۸۸، اطلس گویش‌شناختی قصران داخل، تهران.
- کریمان، حسین، ۱۳۸۵، قصران (کوهساران): مباحث تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی و مذهبی و وصف آتشگاه منطقه کوهستانی ری باستان و طهران کنونی، تهران.
- مشیری، سید رحیم و همکاران، ۱۳۹۰، «ارزیابی کیفی ظرفیت‌های گردشگری در توسعه روستایی، مطالعه موردی: آهار - شهرستان شمیران»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، س ۸، ش ۳۲، ص ۱-۲۴.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی